



تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه

حسین کریمی فرد*

عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز واحد اهواز

چکیده

پس از شروع انقلاب‌های عربی در کشورهای عربی در سال 2011 و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در این کشورها و خصوصاً در مصر، توازن قدرت در منطقه خاورمیانه به نفع جمهوری اسلامی دگرگون شد. دولت ترکیه بعد از منتفع شدن از انقلاب‌های عربی در تونس و مصر، به دلیل خصلت جاه‌طلبی رهبران این کشور از موج ایجاد شده علیه بشار اسد سوءاستفاده کرده و با آمریکا و سایر کشورهای هم‌پیمانانش علیه حبهه مقاومت موضع گرفت. فرضیه این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی مدون شده است عبارتست از: ایران و ترکیه در بحران سوریه در موضوعاتی مثل حفظ تمامیت ارضی سوریه، دستیابی به راه حل صلح آمیز و توقف جنگ داخلی اشتراک منافع و در موضوعاتی مثل تلاش برای تبدیل به قدرت برتر شدن در منطقه خاورمیانه و ارائه مدل سیاسی مدنظر خویش با یکدیگر دچار تضاد منافع هستند.

کلید واژه‌ها

ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، قدرت برتر، بحران سوریه، لائیک، اسلام سیاسی.

* Email: Hkarimifard@yahoo.com.

با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای براساس منافع و علایق خود جهت‌گیری مختلفی را در رابطه با این کشور، که اهمیت ژئوپولیتیک و استراتژیک خاصی در منطقه خاورمیانه دارد اتخاذ نموده‌اند. در این میان تلاش پیگیر برخی برای اعمال فشار و ساقط کردن حکومت اسد از جلوه‌های بارز تحولات سوریه محسوب می‌شود که بر پیچیدگی اوضاع این کشور افزوده است (نیاکویی؛ بهمنش، 1391: 103)

سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی این کشور شده است. سوریه قسمتی از سرزمین بزرگ شام است که با کشورهای لبنان، قبرس، فلسطین اشغالی، اردن، عراق و ترکیه هم مرز است. این کشور سال‌ها با دولت بعث عراق دارای رقابت ایدئولوژیک و سیاسی در منطقه بوده است و با ترکیه بر سر موضوع کردها و همچنین عوامل جغرافیایی مناقشه داشته است اما از جمهوری اسلامی ایران در جنگ هشت ساله، علیه عراق حمایت نموده است. مهم‌ترین عارضه ژئوپولیتیک این کشور نیز این است که در جوار مرزهای فلسطین اشغالی، یعنی قلب خاورمیانه - کانون معادلات چند مجهولی این منطقه - واقع شده است (نیاکویی؛ بهمنش، 1391: 103). به دلیل نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل «سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند (رجبی، 1391: 125).

اعتراضات مردمی که از تونس آغاز و با سرعت به سایر کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه تسری پیدا کرد، نشان از تغییرات عمیقی در معادلات سیاسی نظام بین‌الملل داشت، که در آن شاهد افزایش نقش مردم در سیاست و کاهش قدرت دولت‌ها در مقابله با موج دموکراسی و آزادی خواهی هستیم. به منظور درک بهتر نقش سوریه در این منطقه باید به اتحاد استراتژیک سوریه با ایران و نقش نیابتی آن در منطقه تمرکز کرد. سوریه به عنوان ایجاد کننده ارتباط با حزب الله و به عنوان کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به شمار می‌رود (William Samii, 2008).

سوریه امن‌ترین موقعیت استراتژیک را در روابط بین اعراب و اسرائیل داراست و این امر باعث تقویت مقاومت حزب الله در برابر رژیم صهیونیستی شده و از سوی دیگر با تمایل بیشتر این کشور به ایران به لحاظ سیاست‌های منطقه‌ای جهان عرب، نفوذ ایران در منطقه تقویت شده است که این امر خوشایند عربستان نیست (El-Hokayem, 2007).

با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرایی عدالت و توسعه از سال 2002 به نظر می‌رسد عصر جدیدی در حیات سیاسی ترکیه برقرار گردیده است و دولت ترکیه با تعدیل غرب‌گرایی افراطی، سیاست‌های منطقه‌ای جدیدی را آغاز کرد و در عرصه سیاست داخلی نیز به موفقیت‌هایی دست یافته، به طوری که ارتش، نیز در پی افزایش مقبولیت مردمی حزب عدالت و توسعه از سیاست‌های جدید دولت بی‌تأثیر نمانده است.

در همین راستا بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از این تحولات برکنار نبودند، لذا دستگاه سیاست‌گذاری هر یک از بازیگران مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در پی اتخاذ سیاست‌ها و بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای دستیابی به اهداف و منافع ملی هستند، فعالیت‌های خود را به منظور اتخاذ سیاست بهینه، که در آن بتوانند با کمترین هزینه بیشترین منافع را عاید کشور خود کنند، شروع به فعالیت کردند. در این میان کشور ترکیه با توجه به داشتن تاریخ، فرهنگ، مذهب و مشترکات بسیار دیگر، یکی از کشورهایی است که به ارایه نقش فعالی در قبال این تحولات پرداخته است و سعی دارد با معرفی خود به عنوان یک الگو، جریان‌های جاری را به سمت و سویی هدایت کند که مطابق با خواست و نظر دولت ترکیه باشد. از سوی دیگر با توجه به افزایش قدرت نرم ترکیه و مقبولیت آن بین جوانان و طبقه متوسط در کشورهای عربی و شمال آفریقا، این گمان که آن‌ها نیز بخواهند تجربه حزب اسلام‌گرایی عدالت و توسعه ترکیه، که ضمن پذیرش

جدایی دین از دولت، در سازگاری دین در کنار دموکراسی موفق بوده و توانسته است رفاه نسبی برای شهروندان خود ایجاد کند را تکرار کند، دور از واقعیت نخواهد بود (بهرامی، 1390).

چارچوب نظری: نظریه بازی‌ها در بررسی رقابت و همکاری در روابط بین‌الملل

نظریه بازی‌ها بر نوعی استدلال انتزاعی، حاصل تلفیق منطق و ریاضیات، استوار است. تقریباً تمامی نظریه‌پردازان بازی‌ها بر این عقیده‌اند که نظریه مورد استفاده آن‌ها مورد توجه شیوه رفتار بالفعل در وضعیت‌های منازعات نیست؛ بلکه بر رفتار موسوم به رفتار صحیح عقلایی در وضعیت‌های منازعه‌آمیزی ناظر است که طی آن‌ها شرکت‌کنندگان در منازعه سعی در بردن دارند. به اقتضای تجزیه و تحلیل نظری است که نظریه‌پردازان بازی‌ها رفتار عقلایی را مفروض می‌انگارند؛ چرا که این فرض را برای نظریه‌پردازی پیش از فرض معکوس آن مفید تشخیص داده‌اند.

نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل و نظریه‌پردازان بازی‌ها به پندارهایی نظیر این قائلند؛ چنان‌چه افراد در یک وضعیت معین خواهان کسب پیروزی یعنی حصول هدفی که طرف دیگر درصدد محروم ساختن آن‌ها از آن است باشند و به فرض این‌که هر یک از دو طرف معتقد باشند حریفشان نیز هم‌چون خود وی محاسبه‌گرانی عقلایی و به اندازه خود علاقمند به حدس اقدامات طرف مقابل خویش می‌باشند، در صورتی که هر طرف برای گیر انداختن حریف تلاش نماید، در این حال می‌توان به دسته‌بندی آن‌گونه فرآیندهای فکری پرداخت که افراد یا دولت‌ها بر اساس آن‌ها در مورد نوع اقدامی که با بیشترین احتمال برایشان سودمند است به محاسبه می‌پردازند (دوئر تی، فالتز گرفت، 1388: 777).

در واقع هر بازی به‌وسیله عناصر زیر مشخص می‌شود:

بازیکنان که بنا به فرض سعی در کسب پیروزی یا بهینه کردن نتایج دارند.

پرداخت‌هایی که ممکن است برای بازیکنان مختلف بسته به نظام‌های ارزشی آن‌ها معانی مختلفی داشته باشد.

مجموعه‌ای از قواعد زیربنایی مناسب برای بازی.

شرایط اطلاعاتی که تعیین‌کننده چندی‌چون آگاهی هر بازیکن از محیط اطراف و انتخاب‌های بلافاصله یا با تأخیری است که توسط بازیکن یا بازیکنان دیگر صورت گرفته است.

محیط کلی که بازی در آن اجرا می‌شود؛ قطع نظر از این‌که بازیکنان آن‌را به‌طور کامل درک کنند یا نه، فعل و انفعالات حرکت‌های رقابت‌آمیزی که طی آن هر یک از انتخاب‌های متوالی یک بازیکن (بازیکنان) دیگر را تشویق به اصلاح انتخاب‌های بعدی خویش سازد.

روابط بین‌الملل یا عملکرد نظام بین‌الملل را نمی‌توان صرفاً در داخل چارچوب تحلیلی یک بازی به‌طور کامل درک کرد. ولی الگوها و فرآیندهای روابط بین‌الملل غالباً ویژگی‌های بازی‌گونه معینی را از خود متجلی می‌سازد. از آن‌جا که نظریه بازی‌ها و بازی‌سازی روابط تنگاتنگی با تصمیم‌گیری و چانه‌زنی دارند؛ لذا احتمالاً برای مطالعه روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل که در آن معمولاً صحبت از انجام حرکتی بر روی صفحه شطرنج دیپلماسی، لاف زدن، به کارگیری اهرم چانه‌زنی و تلاش برای حدس زدن اقدامات حریف یا گیر انداختن حریف است، مناسب می‌باشند. در تحلیل‌هایی درک بازی سیاست بین‌الملل با تمام پیچیدگی‌هایش چه برای ذهن بشر و چه برای بزرگ‌ترین ماشین‌های محاسبه‌گر، بی‌نهایت دشوار و شاید غیر ممکن است. با این وجود، در عین اعتراف به محدودیت‌های نظریه بازی‌ها باز هم می‌توان آن‌را ابزار سودمندی برای طرح فرضیه‌هایی دانست که ممکن است موجب روشن‌تر شدن مطالعه گزینه‌های استراتژیکی شوند که پیش‌روی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی قرار دارند (دوئر تی، فالتز گرفت، 1388: 779).

2-1. انواع بازی‌ها در روابط بین‌الملل

2-1-1. بازی با حاصل جمع جبری صفر¹

متداول‌ترین تفکیک مقدماتی که در نظریه بازی‌ها که صورت گرفته است؛ تفکیک میان بازی با حاصل جمع صفر و بازی با حاصل جمع غیر صفر است که هر یک انواع خاص خود را دارند. در یک بازی با حاصل جمع صفر، بین بازیکن الف و ب، میزان امتیازی که بازیکن الف به دست می‌آورد بازیکن ب به همان اندازه امتیاز از دست می‌دهد (دوئرتی، فالتز گرافت، 1388: 779).

و عکس آن نیز صادق است، یعنی به هر میزان که بازیکن ب امتیاز به دست بیاورد، بازیکن الف امتیاز از دست می‌دهد. در بازی با حاصل جمع جبری صفر، جمع جبری تمام پرداخت‌هایی که به همه بازیکنان صورت می‌گیرد برابر صفر است. به‌ترتیبی که هر میزان که یک بازیکن می‌برد، بازیکن یا بازیکنان دیگر به ناچار آن را از دست می‌دهند. رقابت در نامزد انتخاباتی بر سر یک کرسی مجلس و یا بازی شطرنج نمونه‌ای از بازی‌های با حاصل جمع جبری صفر می‌باشند (لویج، 1370: 95).

2-1-2. بازی با حاصل جمع غیر صفر یا حاصل جمع متغیر²

این بازی از آن جهت که برد یک طرف، لزوماً به معنای باخت طرف دیگر نیست، صرفاً رقابت‌آمیز نمی‌باشد. در این بازی جمع جبری، بردها و باخت‌ها ضرورتاً نباید صفر شود. بازی‌های با حاصل جمع غیر صفر می‌توانند فقط شامل دو بازیکن یا تعداد بیشتری از بازیکنان باشند. در این بازی هم عنصر تعارض و هم عنصر همکاری از اهمیت برخوردار است. در برخی از دفعات اجرای بازی هر دو بازیکن یا برخی از بازیکنان خواهند برد و در پایان بازی هر دو بازیکن یا برخی از بازیکنان به درجات مختلف می‌توانند پیش‌تر از دیگران باشند. در یک بازی با حاصل جمع غیر صفر غالباً چندین پرداخت مختلف وجود دارد که برخی از آنها بسیار خوب و بسیار بد و برخی تا حدودی خوب یا بد هستند. پرداخت‌ها بستگی به این دارد که آیا بازیکنان با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ گلوئی همدیگر را می‌فشارند، یا استراتژی‌های تعارض خود را به درجات مختلف با هم تلفیق می‌کنند. بازی‌های دو نفره با حاصل جمع غیر صفر را می‌توان بر اساس همکاری یا بر اساس همکاری نیز اجرا و تعریف نمود. در یک بازی براساس عدم همکاری ارتباط برقرار کردن آشکار مجاز نیست؛ بلکه گزینه هر طرف تنها بعد از اجرای بازی برای دیگری آشکار می‌شود (دوئرتی؛ فالتزگرافت، 1388: 783).

در بازی با حاصل جمع متغیر صرفاً تعارض بر سر منافع بازیگران حاکم نیست؛ بلکه بازیگران می‌توانند با اتخاذ استراتژی‌های انتخابی خود بر سرنوشت جبری واقعیات مبادلاتی بین خود تاثیر بگذارند.

بررسی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه

روابط جمهوری اسلامی ایران، ترکیه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی که هم‌زمان با اوج‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی در ترکیه بود فراز و نشیب‌هایی داشته است. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، مقامات رسمی ترکیه از تحولاتی که در کشور همسایه آن‌ها (ایران) جریان داشت شدیداً نگران بودند. این مقامات (عمدتاً نظامیان) عقیده داشتند تحولات و وقایع اخیر ایران به ضرر بلوک غرب و ترکیه است. ترس از تجزیه ایران و اروپا از نفوذ شوروی نیز از جمله گرایش‌های مقامات ترک بوده این نگرانی زمانی معنی‌دارتر خواهد بود که به مسایل و مشکلات داخلی آن زمان ترکیه توجه شود. ترکیه در سال 1978 شاهد تحركات وسیع گروه‌های دست‌چپی و تروریسم شهری و روستایی با مشی کمونیستی بود به‌علاوه

1- Zero-sum game.

2-Non-zero-sum game.

وقوع کودتای کمونیستی در افغانستان و اشغال این کشور توسط نیروهای ارتش شوروی سابق، همه نشان از قصد شوروی برای به خطر انداختن منافع غرب در منطقه داشت، مقامات غربی و هم پیمانان ترکیه، انقلاب اسلامی را نیز در همین راستا تلقی می نمودند.

بنابراین با پیروزی انقلاب اسلامی و اندکی قبل از آن سفیر ترکیه، تهران را ترک نموده و سپس با عزل سفیران رژیم گذشته از سوی جمهوری اسلامی، روابط سیاسی دو کشور به سطح کاردار تنزل یافت. به رغم این نگرانی‌ها و سوء تلقی مقامات ترک، دولت سوسیال دموکرات بولنت اجویت (حزب جمهوری خواه خلق) از جهت افتتاح باب مراد به دولت انقلابی ایران و تقویت مناسبات دو کشور پیشقدم شد. در همین راستا در نیمه دوم خرداد ماه 1358 وزیر امور خارجه وقت ترکیه به ایران سفر نمود.

وی در این سفر به حضور حضرت امام رسید و ضمن اعلام پشتیبانی ملت مسلمان و دولت ترکیه از جمهوری ایران، پیام اجویت، نخست وزیر را تقدیم رهبر انقلاب نمود. با شکست اجویت در انتخابات اکتبر 1979 و روی کار آمدن سلیمان دمیرل رهبر حزب عدالت گسترش شدیدی به راست در سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه پدید آمد و در همین زمان دولت دمیرل شدیداً به سخنان امام خمینی (ره) عکس العمل نشان داد. امام (ره) فرمود: «اگر ملت‌های مسلمان از جمله ترکیه زیر فشار سرنیزه نباشند، حکومت اسلامی را انتخاب خواهند کرد» (قاسمی، 1390: 80).

عکس العمل دولت ترکیه فراخواندن خانواده‌های دیپلمات‌های ترک، از ایران بود. هم‌چنین یادداشتی به وزارت امور خارجه ایران به عنوان اعتراض تسلیم گردید. این تنش در روابط با یادداشت وزارت امور خارجه ایران مبنی بر احترام متقابل جمهوری اسلامی ایران به حاکمیت و استقلال و حسن هم‌جواری بین دو کشور خاتمه یافت (بخشایشی اردستانی، 1379: 102).

امضای قرارداد دفاعی - اقتصادی بین آمریکا و ترکیه در فروردین 1359 سبب تشدید سوءظن بین ایران و ترکیه گردید. تشدید سوءظن به دلیل این بود که در آن زمان شایعاتی مبنی بر احتمال حمله آمریکا به ایران مطرح بود و ترکیه می‌توانست به عنوان پایگاهی مناسب برای این‌گونه حملات مورد استفاده قرار گیرد. اما دمیرل اعلام نمود ترکیه اجازه نخواهد داد از پایگاه‌هایش جهت حمله بر علیه ایران، استفاده شود. هم‌چنین پس از عملیات نافرجام نظامی آمریکا در طلس و بروز شایعاتی مبنی بر بهره‌گیری هواپیمای آمریکا از پایگاه اینجریلیک ترکیه در انجام این عملیات، دولت ترکیه طی بیانیه‌ای این موضوع را تکذیب و اعلام نمود چنین اقدامی می‌توانست بحران در این منطقه قابل انفجار را تشدید نماید.

از دیگر فزاینده‌های روابط دو کشور می‌توان به عدم همراهی ترکیه با تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران اشاره نمود. ترکیه در این مقطع به رغم هماهنگی کشورهای غربی برای وارد آوردن فشار اقتصادی بر ایران، با آنان همراه نشد و در این زمینه به همکاری اقتصادی خود با ایران ادامه داد و در 21 شهریور 1359 (12 سپتامبر 1980) در ترکیه کودتای نظامی صورت گرفت و ژنرال کنعان اورن رهبر کودتا اعلام کرد که برنامه حکومت جدید توسعه روابط کشورهای اسلامی و همکاری و توسعه مناسبات با همسایگان خواهد بود. این بار نیز با موضع‌گیری اولیه مقامات ایرانی در قبال حکومت نظامی ترکیه احتمال کاهش روابط بین دو کشور وجود داشت. به‌ویژه این که پس از شروع جنگ ایران و عراق که ده روز پس از کودتای ترکیه آغاز گردید، هیأت‌هایی از عراق عازم ترکیه شده و قراردادهای اقتصادی و ترانزیتی امضا نمودند. ولی مقامات ترکیه طبق بیانیه‌های مختلفی بی‌طرفی خود را در جنگ ایران و عراق اعلام کرده و احتمال بروز هر نوع خطری از جانب ترکیه را تکذیب کردند. با بی‌طرف شدن نسبی گرایش‌های طرفین، به تدریج مساعدت‌ها و دیدارهای

مقامات دو کشور افزایش یافت و روابط رو به گسترش نهاد به گسترش روابط، جمهوری اسلامی ایران روابط خود را با ترکیه به سطح سفارت ارتقا داده، گسترش روابط طرفین که عمدتاً اقتصادی نیز بود تا پایان جنگ ایران و عراق ادامه داشت و نیازهای روزافزون طرفین، به یکدیگر سبب بسط این روابط گردید. به طوری که در پایان جنگ، سطح مبادلات دو کشور به دو میلیارد دلار بالغ شد و عملاً ترکیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران تبدیل گردید (بخشایشی اردستانی، 1379: 102).

در مورد دیدگاه مذهبی رهبران انقلاب ایران به دیده بی‌اعتمادی به ترکیه می‌نگریستند. ترکیه هم با سمت‌گیری‌های غیرمذهبی خود سر آن داشت تا به میراث غربی و ملت‌گرایی ترک که توسط آتاتورک پایه‌گذاری شده بود، مومن بماند در صورتی که رهبران ایران بحث صدور انقلاب و داعیه رهبری جهان اسلام را در سر داشتند. تضاد این دو جهان‌بینی روابط دو کشور را دستخوش دشواری‌هایی ساخت. برای نمونه انقلابیون ایرانی، کمال آتاتورک را دوست و هم‌مشرک رضاشاه می‌دانستند؛ در دیدارهای رسمی از ادای احترام در برابر آرامگاه او سرباز می‌زدند. ترکیه با تلخ‌کامی این رفتار را تحمل می‌کرد. با روی کار آمدن تورگوت اوزال در نیمه دهه 80 روابط دو کشور به تدریج رو به عادی شدن نهاد. اوزال سعی کرد با نادیده گرفتن ماهیت متفاوت رژیم‌های سیاسی دو کشور روابط دوجانبه را براساس یک مسالمت‌پراگماتیستی و مبنی بر اولویت متغیر اقتصاد، بازسازی کند و در واقع هنر او بود که توانست احساس ضدیت با ایران و انقلاب اسلامی را در نزد نخبگان سیاسی ترکیه کاهش دهد، بدون آن که خود در مقابل سران لائیک به‌ویژه ارتش قرار گیرد. درگذشت اوزال و افزایش موقعیت سیاستمدارانی چون تانسوچیلر و مسعود ایلماز باعث شروع دوره‌ای از سردی روابط ایران و ترکیه در اواخر دهه 80 اوایل دهه 90 گردید. نشانی این سردی روابط به‌صورت کاهش سطح مبادلات تجاری، بحران‌های دیپلماتیک و جنگ تبلیغاتی بین دو کشور به‌ویژه در سطح مطبوعات بروز کرد. مهم‌ترین حوادثی که در این دوران منجر به تنش در روابط دو کشور گردید عبارتند از؛ فراخواندن سفیر ترکیه از تهران در فروردین ماه سال 1368 شمسی و دادن مهلت یک هفته‌ای به سفیر ایران در ترکیه برای خروج از این کشور، دولت ترکیه مدعی بود که منوچهر متکی سفیر ایران در ترکیه در امور داخلی دخالت کرده است، زیرا با حمایت از زنان ترکیه‌ای که خواستار پوشش اسلامی در درون دانشگاه بودند و هم‌چنین شرکت سفیر ایران در یکی از اجتماعات حزب رفاه خارج از محدوده وظایف قانونی خود اقدام نموده است.

اشتراکات منافع ایران و ترکیه در سوریه

4-1. مولفه‌های اقتصادی روابط ایران و ترکیه در سوریه

مهم‌ترین مولفه روابط کنونی بین ایران و ترکیه عامل هم‌جواری و ژئوپلیتیک است، که از دل آن پیوندهای اقتصادی استخراج می‌شود. سفر اردوغان به تهران بهانه‌ای برای بررسی روابط دو کشور شد. روابطی که در سال‌های اخیر با نوسان‌هایی همراه بوده است. در واقع سیاست‌های آنکارا طی سال‌های گذشته، به‌خصوص در تحولات سوریه و حمایت همه‌جانبه مادی و معنوی از معارضین سوری، باعث از میان رفتن اعتماد میان آنکارا و ایران شده است. جدا از این، استقرار سامانه دفاع موشکی ناتو در ترکیه و در نزدیکی مرزهای ایران، تلاش اردوغان برای تشکیل ائتلافی منطقه‌ای با محوریت ترکیه و مصر (با هدف مقابله با نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران)، مداخله در امور داخلی عراق و... بر ابعاد اختلاف افزود.

در شرایط کنونی روابط ایران و ترکیه دارای چند بعد اهمیت است. روابط کشوری چون ایران و ترکیه از دو زاویه قابل بررسی و تحلیل است. نخست از منظر روابط همسایگی مهم است. یعنی با توجه به پیشینه این مناسبات از دوره عثمانی و صفوی، این روابط حداقل به چهار صد سال قبل باز می‌گردد. در سطح دیگری تجزیه و تحلیل مناسبات ایران و ترکیه در مقام دو قدرت منطقه‌ای، حائز اهمیت است. یعنی این دو قدرت ممکن است صرف‌نظر از مناسبات دوجانبه خود، رویکردهای دیگری را در روابط خود در سطح منطقه‌ای دنبال کنند. به‌ویژه این که بنا بر ملاحظات ژئوپلتیک، ایران و ترکیه در بیش از دو خرده نظام امنیت منطقه‌ای، می‌توانند هم تعاملات و هم رقابت‌هایی داشته باشند. بنابراین ما باید این ملاحظات را در نظر بگیریم.

در دو سال گذشته به‌نظر می‌رسد، روابط دو جانبه ایران و ترکیه، دچار تغییر خاصی نشده است. یعنی اتفاق خاصی در سطح روابط دو جانبه رخ ن داده است، که بخواهد روابط را دچار نوسان عمده کند. یعنی بنابر تغییر و تحولی که حداقل از سال 2001 و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه رخ داده، همواره ما شاهد رشد روابط دو جانبه در سطح اقتصادی، امنیتی و سیاسی بوده‌ایم و خیلی از مسائلی که در دوره‌های قبل بین دو کشور مطرح بوده، در این دهه مشاهده نشده است. حتی این امر دو سه سال اخیر هم ادامه داشته است. البته باید گفت این امر به این معنی نیست که کلاً در روابط دو جانبه سکت‌های وجود نداشته است. یعنی هر چند به شکل سینوسی نوسان‌هایی هم رخ داده، اما جهت کلی روابط در سطح دو جانبه، به‌ویژه در بخش اقتصادی، رو به رشد بوده است. چنانچه در بخش اقتصادی با وجود موانعی چون اعمال تحریم‌های ضد ایرانی، این روند رو به رشد بوده است.

4-2. مؤلفه‌های سیاسی روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به سوریه

ایران و ترکیه همسایگان تاریخی هستند که از دیرباز روابطی با فراز و فرود را پشت سر نهاده‌اند. در طول تاریخ تلاش این دو کشور در عرصه منطقه‌ای نیز ایفای نقش حداکثری بوده است که سبب بروز تلافی منافع شده. اگر روابط دو کشور را به زمان عثمانی برگردانیم دوره‌ای از تنش‌ها را مشاهده می‌کنیم که این امر پس از فروپاشی عثمانی و به ظهور رسیدن ترکیه، این تنش‌ها به حداقل رسیده است. به‌وجود آمدن ترکیه فصل نوینی در روابط دو بازیگر ایجاد کرد. ظهور آتاتورک و به قدرت رسیدن هم‌زمان رضاخان در ایران و نزدیکی مشرب فکری این دو پادشاه، نزدیکی روابط دو کشور را رقم زد. خاصه هنگامی که رضاخان طی سفری به ترکیه کوشید، تا ایران را در بسیاری از عرصه‌ها هم‌رنگ ترکیه سازد. انعقاد پیمان سعدآباد میان ایران، ترکیه و افغانستان از دیگر مواردی است که نزدیکی دو کشور را به تصویر می‌کشد. طی دوران جنگ سرد نیز دو کشور در بلوک غرب به ایفای نقش پرداختند و عضویت هر دو کشور در پیمان بغداد (1955) و سنتو (1959) نزدیکی‌های سیاسی و امنیتی را بر دو کشور مترتب ساخت. البته این نزدیکی‌ها بعضاً به‌علت وجود برخی مسائل دستخوش ناملایمت‌هایی نیز گردیده است. حضور پژاک و هم‌چنین فعالیت برخی از گروه‌های تجزیه‌طلب در مرز ایران از جمله این امور است که روابط دو کشور را بعضاً تحت‌الشعاع قرار داده. به‌هر حال وجود دو ساخت متفاوت سیاسی در این دو کشور خود می‌تواند زمینه را برای اختلاف ایجاد کند.

سال 1364 و با آمدن تورگوت اوزال به ایران، فصل نوینی را در روابط ترکیه لائیک و ایران انقلابی به‌وجود آورد. اما با روی کار آمدن مجدد احزاب لائیک این رابطه باز به سردی گرائید؛ البته در مقطعی ایران نقش مهمی را در روابط ترکیه با دیگر بازیگران منطقه‌ای ایفا کرده است که می‌توان به نقش میان‌جیگری ایران در اختلاف میان سوریه و ترکیه بر سر تحویل سران پژاک اشاره کرد. پیروزی حزب اسلام‌گرای اعتدال و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در سال 2001 فضا را برای بهبود روابط دو کشور مهیا کرد.

5- تضاد منافع ایران و ترکیه در سوریه

5-1. چشم‌داشت ارضی ترکیه نسبت به سوریه

از ابتدای شروع بحران سوریه در مارس سال 2011 عربستان، قطر و ترکیه یک مثلث کاملاً تخریبی علیه سوریه تشکیل دادند و از همان زمان تا کنون ترکیه به‌عنوان کشوری که معبر و گذرگاه گروه‌های تروریستی جبهه النصره موسوم به ارتش آزاد و داعش تعیین شده و این در حالی است که قطر و عربستان در طول چهار سال گذشته مجموعاً 36 میلیارد دلار کمک مالی در اختیار گروهک‌های تروریستی قرار داده‌اند.

با مذاکراتی که اخیراً ترکیه با آمریکا داشته 1200 نفر از گروهک‌های تروریستی را آموزش داده و قصد وارد کردن آن‌ها را به سوریه داشته تا بحران سوریه را تشدید کند. در حمله‌ای که ارتش سوریه به حلب کرده است، ارتباط حلب با مرز ترکیه قطع شده و این باعث شده گروهک‌های تروریستی نتوانند وارد اراضی سوریه شوند.

ترکیه در سوریه به‌دنبال تجزیه ادلب است. ترکیه در سال 1939 استان اسکندرون سوریه را به خاک خودش ضمیمه کرد؛ ولی هم اکنون به‌دنبال این است که ادلب را که جزئی از استان اسکندرون است به خاک خودش ملزم کند تا بتواند یک جاده ترانزیتی به سمت سوریه و اردن و کل منطقه خاورمیانه داشته باشد. هم‌چنین در یک ارزیابی کلی می‌توان به تعلق خاطر دولتمردان ترکیه به کرکوک با گذشته تاریخی آن اشاره کرد که در برخی مواقع نسبت به شهرهای موصل و کرکوک ادعای ارضی خود را آشکار ساخته‌اند و حتی به‌صورت نمادین هر ساله بودجه‌ای از سوی پارلمان این کشور جهت مناطق مذکور در نظر گرفته می‌شود. چنان‌چه می‌دانیم این مناطق به‌دنبال جنگ جهانی اول توسط انگلیس از ترکیه جدا شد و این امر موجب ناخشنودی سیاستمداران ترک گردید. زیرا سکنه این مناطق از قومیت‌های عرب، کرد و ترک تشکیل شده و ترک‌ها بعد از جداسازی این مناطق تحت عنوان ترک‌نشین مناطق کردنشین را به خاک ترکیه ضمیمه نمایند. زیاده‌خواهی ترکیه و مطرح کردن ادعاهای تاریخی و ارضی نسبت به بخشی از خاک سوریه به اعتقاد مسئولین جمهوری اسلامی ایران مردود می‌باشد و چیزی جز دامن زدن به ایجاد بحران و ناامن کردن منطقه خاورمیانه به‌دنبال نخواهد داشت (بوزان، 1381: 676).

5-2. مخالفت ایران با تلاش‌های ترکیه برای افزایش سهم ترکمن‌ها در سوریه

اگر نگاهی به رویکرد ترکیه نسبت به ترکمن‌های سوریه داشته باشیم، باید گفت بیشتر گروه‌هایی سیاسی و نظامی ترکمن تحت سازماندهی ترکیه قرار دارند. در واقع بیشتر ترکمن‌های سوریه تحت امر سرویس‌های اطلاعاتی و نظامی ترکیه سازماندهی شده‌اند (ترکیه احزاب ترکمن سوریه را مانند حزب توده ترکمن سوریه، حزب حرکت ملی ترکمن سوریه و تعداد دیگری از احزاب ترکمن را سازماندهی کرده است) و حتی طرح تخصیص و آموزش نیروها با همکاری آمریکا، ترکیه، عربستان و اردن سازماندهی شده است. در این راستا در گذشته تلاش‌های ترکیه تحت عنوان پشتیبانی و تسلیح ترکمن‌های سوریه تحت پوشش کمک انسانی به ترکمن‌های سوریه افشا شد. در واقع ترکیه در سال‌های گذشته تلاش کرده است ترکمن‌های سوریه را در اردوگاه‌های نظامی هاتای و... تحت آموزش‌های نظامی قرار دهد و از گروه‌های ترکمنی سلفی اخوانی را در چارچوب ارتش آزاد سوریه در عملیات‌های گوناگون نظامی، اطلاعاتی مورد بهره‌برداری قرار دهد. در کنار این نیز باید توجه داشت که در واقع با توجه به رویکرد ترکیه مجموعه‌های ترکمنی با گروه‌های مسلح دیگر در شمال لاذقیه و شمال سوریه مانند جبهه النصره و هم‌چنین جبهه احرار الشام اسلامی ارتباطات تنگاتنگی دارد و گاه در بخش‌هایی که جبهه النصره و احرار الشام اسلامی در حال مبارزه است، گروه‌های مسلح ترکمنی نیز در کنار آنها می‌جنگند. علاوه بر این نیز باید در نظر داشت که برخی از اعضای شاخه جوانان حزب حرکت ملی و اعضای گرگ‌های

خاکستری و کسانی چون آلپ ارسلان چیلیک (فرزند رمضان چیلیک از رهبران سابق حزب حرکت ملی) به گروه مسلح ترکمانی موسوم به «واحد فرماندهی ساحلی» نیز پیوسته و یا بدان کمک می‌کنند.

گذشته از این، گاه ترکیه از راه ترکمن‌ها ارتش فتح و جیش الاسلام و سایر گروه‌های موردنظر مخالف اسد را تحت پوشش ترکمن‌های سوریه پشتیبانی و سازماندهی می‌کند و گاه به آن‌ها امکانات پشتیبانی و لجستیک تحت پوشش پشتیبانی انسانی و مردمی می‌دهد. به عبارت دیگر ترکیه از طریق اینان تلاش می‌کند که در سوریه هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ اطلاعاتی ورود پیدا کرده و هم‌چنین با حزب اتحاد دموکراتیک یعنی پ. ی. د به عنوان مهم‌ترین حزب کردی سوریه مقابله کند. چرا که آنکارا که از قدرت گرفتن نیروهای کرد در شمال سوریه نگران است و در یک سال گذشته هم تلاش کرده است به بهانه پشتیبانی از نیروهای ترکمن حاضر در سوریه در برابر نیروهای پشتیبانی مردمی کرد «ارتش ترکمن‌ها» را تشکیل دهد. در این میان باید توجه داشت ترکیه تلاش می‌کند تا از ترکمن‌های سوریه به عنوان کارت مهمی در صحنه سیاسی و میدانی سوریه بهره گیرد. بنابراین از کاهش نقش ترکمن‌ها در سوریه به شدت بیمناک است (بوزان، 1381: 677).

آنچه مشخص است در واقع ترکیه پشتیبانی از ترکمن‌های را یکی از مبانی اخلاقی و سیاسی حکومت خود می‌داند و در سال‌های گذشته نیز ارتباط‌هایی بین تشکیلات سیاسی ترکمن‌های عراق و سوریه با محافل پان توراویست ترکیه وجود داشته است. چنانچه در ماه‌های گذشته رویکرد حزب اتحاد دموکراتیک «پ. ی. د» برای اعلام منطقه تل ابیض به عنوان منطقه تحت کنترل خود و الحاق کوبانی و عفرین به منطقه تحت نفوذ باعث نگرانی ترکیه شد. آنکارا بر این نظر است که در صورت حمله کردها به بخش‌های غرب فرات، صدها هزار از شهروندان ترکمن سوریه به ترکیه مهاجرت خواهند کرد و لذا بارها کردها را تهدید کرده است. در این بین باید توجه داشت که با توجه به هراس ترکیه از گسترش قدرت کردها در شمال سوریه عملاً کوشش کرده است تا با بهره‌گیری از متغیر ترکمنی هم به دولت اسد و متحدان فشار آورد و هم مانع از قدرت‌گیری کردها در شمال سوریه گردد. در ادامه این رویکرد ترکیه معتقد است تشکیل منطقه امن در خط جرابلس - اعزاز ضروری است و می‌تواند امنیت شهروندان ترکمن منطقه را تامین کند. در پیگیری همین رویکرد آنکارا تلاش کرده است در رویکرد رسانه‌ای و دیپلماتیک خود از کارت ترکمن‌های سوریه به خوبی استفاده کند. چنانچه پیش از این به ادعای اخراج ترکمنان از بخش‌های زیر کنترل گروه‌های کرد سوری اعتراض کرده بود و به دنبال تشدید حملات دولت اسد به ترکمن‌های بایربوجاقی مقامات ترکیه اعتراض‌هایی گوناگونی را از خود نشان دادند. در همین راستا فریدون سینیرلی اوغلو وزیر خارجه ترکیه نیز درباره اوضاع منطقه ترکمن نشین در سوریه نامه‌ای به ریاست شورای امنیت سازمان ملل نوشت و سپس با طرح این اتهام که روسیه در حملات خود به سوریه، روستاهای ترکمن نشین را بمباران کرده است، سفیر روسیه در آنکارا را احضار کرد. در همین بین نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که حملات هوایی به ترکمن‌ها می‌تواند عواقب جدی در پیش داشته باشد. در راستای همین نوع نگاه دولت ترکیه پس از سرنگونی هواپیمای روسیه در اظهاراتی بمباران کامیون‌های ترکیه‌ای را به خالی کردن شمال لاذقیه از ترکمن‌های سوری و تحکیم بخشیدن قدرت دولت مرکزی در آن منطقه پیوند داد.

3-5. اختلاف ایران و ترکیه در مورد نوع حکومت سوریه

ایران و ترکیه از قدیم‌الایام یعنی از بدو تشکیل حکومت شیعی توسط سلسله صفویان در برابر حکومت سنی نشین عثمانی همواره دارای اختلافات مذهبی و ایدئولوژیکی بوده‌اند. این اختلافات با فروپاشی حکومت عثمانی و گرایش آتاتوک به غرب شکل جدیدی پیدا کرد، البته در این دوره به دلیل حاکمیت رژیم پهلوی و گرایش غرب‌گرایانه آن، انتخاب سیستم

حکومتی لائیک در ترکیه میان دو کشور حساسیتی ایجاد نکرد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ایران مجدداً تضاد دینی و ایدئولوژیکی بین دو کشور رخ نمود تا جایی که بارها مقامات ترک خطر اسلام‌گرایان این کشور را با الگوگیری از ایران را برای حکومت ترکیه گوشزد کرده‌اند. حال با ذکر مقدمه فوق به‌خوبی می‌توان دریافت که پابندی ترک‌ها به اصول لائیک آناتورک و احساس خطر آن‌ها از ایجاد و استقرار حکومتی بر مبنای اصول مذهبی دینی در سوریه تا چه حد می‌تواند آینده آن‌ها را از جانب اسلام‌گرایان در ترکیه به‌خطر اندازد. از طرف دیگر ایران نیز نمی‌تواند شاهد استقرار حاکمیتی لائیک در سوریه باشد در حالی که بیش از 60 درصد مردم این کشور شیعه و طرفدار حکومت مذهبی و اسلامی هستند. لذا با توجه به مطالب فوق و بررسی ملاحظات و خواسته‌های طرفین، اختلافات آن‌ها در مورد نوع حکومت سوریه قابل درک و ارزیابی می‌باشد (بوزان، 1381: 678).

6- چشم‌اندازهای همکاری‌های منطقه‌ای بین ایران، ترکیه و سوریه

تهدیدات ایالات متحده علیه ایران و سوریه نشان از اتخاذ سیاست‌های انعطاف‌ناپذیر کاخ سفید در قبال این دو دولت دارد. طی سال‌های گذشته، واشنگتن همواره ایران و سوریه را به حمایت از تروریسم در منطقه و ادامه فعالیت‌های سری در عراق و همچنین ساختن تسلیحات کشتار جمعی متهم کرده است. در این میان دولت اوپاما به پیروی از دولت بوش، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را نشانه گرفته است. بر این اساس واشنگتن در حال تعقیب یک سری از اقدامات (از سیاست تحریم اقتصادی تا حمله به تأسیسات هسته‌ای) به‌منظور متوقف کردن توسعه تأسیسات انرژی اتمی در ایران است. در طرف دیگر، بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه سعی کرده رویه مصلحت‌اندیشانه‌تری را به‌ویژه بعد از رخداد 11 سپتامبر در روابط با غرب در پیش گیرد. اگرچه رویه او خطمشی سودمندی است که به روابط سوریه با جامعه جهانی کمک کرده است، اما وی نتوانسته کشورش را از سوءظن‌های مربوطه خلاص کند. در این بین هرازگاهی، اتهامات تازه‌ای مبنی بر نفوذ شبکه‌های تروریستی در سوریه و حمایت بعثی‌های سوری از کادرهای قدیمی حزب بعث در عراق نیز به‌وجود می‌آید. بر این اساس آمریکا بی‌ها دعا می‌کنند که سوری‌ها دست به تشکیل گروه مقاومت در عراق زده‌اند. اگرچه مدارک کافی برای اثبات بسیاری از این اتهامات وجود ندارد، اما دولت آمریکا از همین اتهامات برای وارد کردن حداکثر فشار به سوریه استفاده می‌کند. از سوی دیگر، ترکیه دارای مرزهای طولانی با ایران و سوریه است. اگر چه ترک‌ها به وضع متفاوت خود نسبت به کشورهای منطقه و روابط مطلوب خود با غرب تظاهر می‌کنند، اما سیاست‌های آنها نیز تحت شرایط منطقه قرار دارد. ترکیه برای ورود به اتحادیه اروپا، روندی اصلاحی را در عرصه‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی خود پیش گرفته و با تغییر چارچوب‌های سیاست داخلی و خارجی‌اش و با پیگیری یک دیپلماسی فعال، تنش‌زدایی با همسایگان را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است.

در مارس 2003، اتخاذ تصمیمی که استفاده نیروهای آمریکایی از قلمروی ترکیه برای جنگ با عراق را ممنوع اعلام کرد، نقطه چرخش تاریخی برای ترکیه بود. پارلمان ترکیه در تصمیم‌گیری نهایی، به این دلیل که جامعه جهانی جنگ را نامشروع دانسته، ایالات متحده را از باز کردن یک جبهه شمالی علیه عراق باز داشت. تصمیم ترکیه، روند تهاجم به عراق را طولانی کرد و ایالات متحده مجبور شد به‌دنبال حقانیت محکم‌تری بگردد و توجه بیشتری به مسئله فلسطین به‌عنوان دلیل اصلی بی‌ثباتی منطقه بکند. اگر چه پس از آن روابط ترکیه و آمریکا هم‌چنان در سطح عالی حفظ شد، اما در عوض، روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی وارد مراحل جدیدی از تنش شد (خواجویی، 1389: 20).

1-6. روابط ترکیه، سوریه و ایران

دو کشور ترکیه و سوریه برای مدتی طولانی به دلیل سابقه تاریخی، رواج ایدئولوژی خصمانه و تلاش سیاست‌گذاران در بیرونی جلوه دادن دلیل برخی مسائل داخلی، روابطی بسته و محدود داشتند. اما بعد از خروج سوریه از هدایت جدایی‌طلبان حزب کارگران کردستان در سال 1997، روابط 2 کشور رو به بهبودی گذاشت. در دسامبر سال 2004، رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه به بازدید دو روزه از سوریه پرداخت که چشم‌انداز خوش‌بینانه‌ای را در روابط دو جانبه آینده به وجود آورد. در طول بازدید هیأت نمایندگی ترکیه از دمشق، هر دو طرف، موافقت‌نامه تجارت آزاد را با ایده توسعه آن در سطح منطقه امضا کردند. سیاستمداران هر دو کشور درباره آینده عراق، نگرانی خود را ابراز کردند و برای ایجاد ثبات در منطقه، تلاش برای تشکیل اجلاس کشورهای همسایه عراق را آغاز کردند. از آن زمان به بعد، روابط سوریه و ترکیه نه تنها شاهد تنش خاصی نبوده، بلکه تا حد زیادی رو به پیشرفت و توسعه نیز گام برداشته است.

در سوی دیگر، روابط ترکیه و ایران تحت تأثیر منافع مغایر در آسیای مرکزی و قفقاز، روابط با ایالات متحده و اسرائیل و نگرانی در مورد آینده عراق و به‌ویژه شمال عراق قرار دارد. سرمایه‌گذاری شرکت‌های ترکیه‌ای در ایران و موافقت‌نامه‌های مربوط به خریداری گاز طبیعی، بُعد جدیدی را به روابط دو کشور افزوده است. تهران و آنکارا به سبب دارا بودن مرزهای زمینی مشترک با عراق، هر دو خواستار تأسیس یک دولت پایدار و مستحکم هستند و نگرانی خود را از بی‌ثباتی در عراق، ابراز کرده‌اند. به‌طور کلی طی سال‌های اخیر، روابط دو کشور از رشد قابل توجهی برخوردار بوده و بارها مقامات بلندپایه دو کشور به ملاقات باهم پرداخته‌اند.

در این بین روابط سوریه و ایران از مسیر متفاوتی تبعیت می‌کند. دمشق و تهران در داشتن روابط گرم و حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا نظیر حماس و حزب‌الله، نقطه مشترکی را دنبال می‌کنند. بعد از اعمال فشارهای آمریکا به دمشق و تشدید کشمکش میان آمریکا و ایران، این دو کشور اعلام کردند که با هم متحد شده و یک جناح مشترک را در برابر تهدیدهای خارجی تشکیل خواهند داد (خواجه‌ویی، 1389: 18).

2-6. همکاری پایدار در منطقه

با وجود آن‌که اغلب مشکلات ساختاری و ریشه‌دار برای گسترش روابط میان این سه کشور از قبل وجود داشته است، احتمالاً وجود تعدادی از موانع از شکل‌گیری روابط همکاری طولانی مدت جلوگیری می‌کند. مانع اصلی در این خصوص سیاست سرسختانه واشنگتن در خصوص دمشق و تهران است. در خصوص روابط ترکیه و آمریکا به دلیل اشغال عراق در نوسان است. اقدام مجلس ترکیه که به سربازان آمریکا بی اجازه ورود به عراق از مرزهای ترکیه را نداده بود، امری حیرت‌آور برای سیاستمداران آمریکا بی بود. از این‌رو در حال حاضر نیز با وجود گسترش روابط میان واشنگتن و آنکارا، احساس عدم اطمینان در هر دو طرف به چشم می‌خورد. به‌خصوص که اسلام‌گرایان حاکم بر ترکیه، در روابط خود با رژیم صهیونیستی نیز دچار مشکل و چالش‌های اساسی شده‌اند (خواجه‌ویی، 1389: 16).

در مجموع، خط‌مشی جدید سیاست خارجی ترکیه با اولویت قرار دادن مشروعیت دمکراتیک در روابط بین‌الملل، در تلاش است تا جایگاه ترکیه را به نقش یک کشور صلح‌طلب و تنش‌زدا ارتقا دهد. در این راستا ترکیه نشان داده که تمایل چندانی به همراهی با آمریکا به‌خصوص در مورد مسائل منطقه‌ای نظیر برنامه‌های هسته‌ای ایران ندارد. در واقع ترکیه سعی می‌کند به‌جای آن‌که آمریکا را در وضع تحریم‌ها علیه ایران همراهی کند، به ایفای نقشی میانجی‌گرانه میان تهران و واشنگتن بپردازد. بر این اساس می‌توان چنین ادعان داشت که سیاست جدید ترکیه در روابط با کشورهای همسایه، دارای دورنمایی از کوچک شمردن مشکلات در منطقه و در عین حال دوری گزیدن از تقابلات بین‌المللی است.

نتیجه این که تنش میان آمریکا با سوریه و ایران، سرنوشت منطقه خاورمیانه را در آینده نزدیک مشخص خواهد کرد. از این منظر روابط میان ترکیه، سوریه و ایران در کوتاه مدت، نمونه‌ای از همکاری‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود؛ اما در بلندمدت به نظر می‌رسد که همکاری میان ایران، ترکیه و سوریه باید بر پایه تعادل دقیق میان علایق و خواسته‌های مشترک طرفین و درک موقعیت جامعه بین‌الملل باشد. در مجموع به نظر می‌رسد که سال‌های آینده تهدیداتی از سوی ایالات متحده برای ایران و سوریه که مخالف اصلاحات آمریکا بی در منطقه هستند به همراه خواهد داشت. بدین ترتیب احتمالاً ترکیه نیز با موقعیتی برای انتخاب میان خواسته‌های منطقه‌ای خود و طرح‌های منطقه‌ای آمریکا مواجه خواهد شد. این مسائل، تأثیر بسزایی در سیاست داخلی و خارجی کشورهای فوق خواهد داشت و موجب شکل‌گیری تغییراتی در الگوهای همکاری و درگیری‌های منطقه‌ای خواهد شد (خواجویی، 1389: 16).

7- نتیجه‌گیری

نقاط مشترک ایران و ترکیه در سوریه پایان جنگ سوریه خواسته مشترک ترکیه و ایران است. ترکیه و ایران تمایل دارند که جنگ جاری در سوریه پایان یابد. نقطه اختلاف میان دو کشور، بر سر سرنوشت «بشار الاسد» رئیس‌جمهوری سوریه است. ایران یک کشور شیعه است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که مذهب آن شیعه بوده و در آن انقلاب اسلامی رخ داده است به‌طور حتم می‌تواند در دنیای اسلام، یک کشور سودمند محسوب شود. ایران و ترکیه در دنیای اسلام روابط برادرانه‌ای با یکدیگر دارند و یک نمونه بارز از زندگی صلح‌آمیز مذهب‌های مختلف در کنار یکدیگر هستند. از جمله دلایل همکاری ایران و ترکیه در سوریه:

- 1- حفظ اتحاد و تمامیت ارضی سوریه
 - 2- توقف جنگ داخلی و برقراری آتش‌بس در سوریه
 - 3- ایجاد امکانات لازم برای بازگشت پناهجویان سوری و انتقال کمک‌های انسان دوستانه به مردم این کشور
 - 4- دستیابی به یک راه‌حل صلح‌آمیز برای بحران سوریه و پرهیز از هرگونه اقدام نظامی علیه این کشور
 - 5- تأکید بر مبارزه با تروریسم و عملیات تروریستی در این کشور
- همکاری اطلاعاتی دو کشور نه تنها برای منطقه بلکه برای تأمین امنیت دنیا می‌تواند بسیار مهم باشد. همان‌گونه که در سراسر جهان دو کشور همواره با یکدیگر همکاری‌های اطلاعاتی در حوزه‌های مربوطه داشته باشند، ایران و ترکیه نیز می‌توانند در حوزه‌های خود از همکاری‌های اطلاعاتی بهره‌مند شوند. در حال حاضر کشورهای غربی، ایران و ترکیه را برای همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و قاچاق تشویق می‌کنند. زیرا این همکاری منافع آن‌ها را نیز تأمین می‌کند. هیچ‌کس نمی‌تواند این ادعا را داشته باشد که همکاری‌های ما در این زمینه دارای نقاط تاریک و یا ضعیف است. ما خواهان افزایش و گسترش درگیری‌های گروه‌های سنی و علوی در ترکیه نیستیم. علوی‌ها یکی از نقاط مشترک میان ایران و ترکیه هستند. ما در ترکیه با مردم نقاط مختلف این کشور علاقه‌ها و تفاهم‌های مشترک داریم. ترک‌های علوی نیز جزء مردم این کشور محسوب می‌شوند. آن‌ها نیز با مردم ایران پیوندها و علاقه‌های مشترک دارند. آن‌ها نیز خواهان ایجاد پلی برای ارتباط نزدیک میان دو ملت هستند. ما برای تقویت روابط برادرانه خود با ترکیه خواهان ایجاد ارتباط با مردم اقوام مختلف این کشور هستیم.
- در قسمت دوم نتیجه‌گیری، تقابلات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه است که در رابطه تقابلات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه می‌باشد که به نکاتی چند به اجمال می‌پردازیم:

1) چشم‌داشت ارضی ترکیه نسبت به سوریه: ترکیه در سوریه به‌دنبال تجزیه ادلب است. ترکیه در سال 1939 استان اسکندرون سوریه را به خاک خودش ضمیمه کرد ولی هم اکنون به‌دنبال این است که ادلب را که جزئی از استان اسکندرون است به خاک خودش ملزم کند تا بتواند یک جاده ترانزیتی به سمت سوریه و اردن و کل منطقه خاورمیانه داشته باشد.

2) مخالفت ایران با تلاش‌های ترکیه برای افزایش سهم ترکمن‌ها در سوریه: بیشتر گروه‌هایی سیاسی و نظامی ترکمن تحت سازماندهی ترکیه قرار دارند. در این راستا در گذشته تلاش‌های ترکیه تحت عنوان پشتیبانی و تسلیح ترکمن‌های سوریه تحت پوشش کمک انسانی به ترکمن‌های سوریه افشا شد. ترکیه تلاش می‌کند تا از ترکمن‌های سوریه به‌عنوان کارت مهمی در صحنه سیاسی و میدانی سوریه بهره گیرد. بنابراین از کاهش نقش ترکمن‌ها در سوریه به‌شدت بیمناک است.

3) اختلاف ایران و ترکیه در مورد نوع حکومت سوریه: ایران و ترکیه از قدیم‌الایام یعنی از بدو تشکیل حکومت شیعی توسط سلسله صفویان در برابر حکومت سنی‌نشین عثمانی همواره دارای اختلافات مذهبی و ایدئولوژیکی بوده‌اند. این اختلافات با فروپاشی حکومت عثمانی و گرایش آتاتوک به غرب شکل جدیدی پیدا کرد، البته در این دوره به‌دلیل حاکمیت رژیم پهلوی و گرایش غرب‌گرایانه آن، انتخاب سیستم حکومتی لائیک در ترکیه میان دو کشور حساسیتی ایجاد نکرد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ایران مجدداً تضاد دینی و ایدئولوژیکی بین دو کشور رخ نمود تا جایی که بارها مقامات ترک خطر اسلام‌گرایان این کشور را با الگوگیری از ایران را برای حکومت ترکیه گوشزد کرده‌اند. حال با ذکر مقدمه فوق به‌خوبی می‌توان دریافت که پابندی ترک‌ها به اصول لائیک آتاتورک و احساس خطر آن‌ها از ایجاد و استقرار حکومتی بر مبنای اصول مذهبی دینی در سوریه تا چه حد می‌تواند آینده آن‌ها را از جانب اسلام‌گرایان در ترکیه به خطر اندازد. از طرف دیگر ایران نیز نمی‌تواند شاهد استقرار حاکمیتی لائیک در سوریه باشد در حالی که بیش از 60 درصد مردم این کشور شیعه و طرفدار حکومت مذهبی و اسلامی هستند.

1. خواجهویی، محمد (1389)، ایران، ترکیه و سوریه نمونه‌ای از همکاری‌های منطقه‌ای، **روزنامه همشهری**، 29 آذر 1389، بازبینی شده در 1 ژانویه 2010.
2. دوئرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرت (1388)، **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: انتشارات قومس.
3. قاسمی، صابر (1380)، **ترکیه** (کتاب سبز)، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
4. لوویچ، کارل (1370)، **بازی‌ها - منازعات عقلایی مبتنی بر استراتژیک**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
5. بهرامی، محمد (1390)، **سیاست خارجی ترکیه و تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه**.
6. نیاکویی، امیر (1391)، بازیگران معارض در سوریه، اهداف و رویکردها، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره 4، سال چهارم.
7. رجبی، سهیل (1391)، واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، **فصلنامه پانزده خرداد**، دوره سوم، سال دهم، زمستان، شماره 34.

ب) لاتین

- 1- El- Hikayem (2007), "Hezbollah and Syria: Outgrowing the Proxy Relation", **Washington Quarterly**, 30 (2).
- 2- Samii, William (2008), "A stable Structure on shifting sands: Assessing the Hezbollah- Iran- Syria Relationship", **The Middleeast journal**, 62 (1).